

نایب حسین کاشانی در خوریا بانک

تالیف و تدوین
سید علی آل داود



سرشناسه	: آل داوود، سید علی، ۱۳۳۱ - ، گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور	: نایب حسین کاشانی در خوریببانک
مشخصات نشر	: تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۴
مشخصات ظاهری	: ۱۲۰۸ص: . مصور
فروست	: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۴۲۳
شابک	: 978-600-220-228-4
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبای مختصر
یادداشت	: فهرست‌نویسی کامل این اثر در نشانی: http://opac.nlar.ir قابل دسترسی است.
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۱۳۳ - ۱۲۰۷.
یادداشت	: نمایه
شناسه افزوده	: ایران: مجلس شورای اسلامی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۸۲۱۹۶۰

نایب حسین کاشانی در خوربیبابانک

تألیف و تدوین

سیدعلی آل داود

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی

تهران - ۱۳۹۴



نایب حسین کاشانی در خوربیبانک

تألیف و تدوین: سیدعلی آل داود

صفحه‌آرا: محمود خانی

حروف‌نگار: فاطمه هدایتی گودرزی

شماره انتشار: ۴۲۳

نظارت تولید: مرکز پژوهش کتابخانه مجلس شورای اسلامی

ناظر فنی: نیکی ایوبی‌زاده

چاپ اول: ۱۳۹۴

شمارگان: ۵۰۰

بها: ۵۰۰۰۰۰ ریال

شابک: 978-600-220-228-4

انتشارات و توزیع:

انتشارات کتابخانه مجلس شورای اسلامی: تهران، میدان بهارستان، خ مجاهدین اسلام،

نیش کوچه آجانلو، ساختمان پلیس + ۱۰، طبقه سوم، تلفن: ۳۳۵۴۸۱۴۷-۸

www.lcal.ir نشانی سایت اینترنتی:

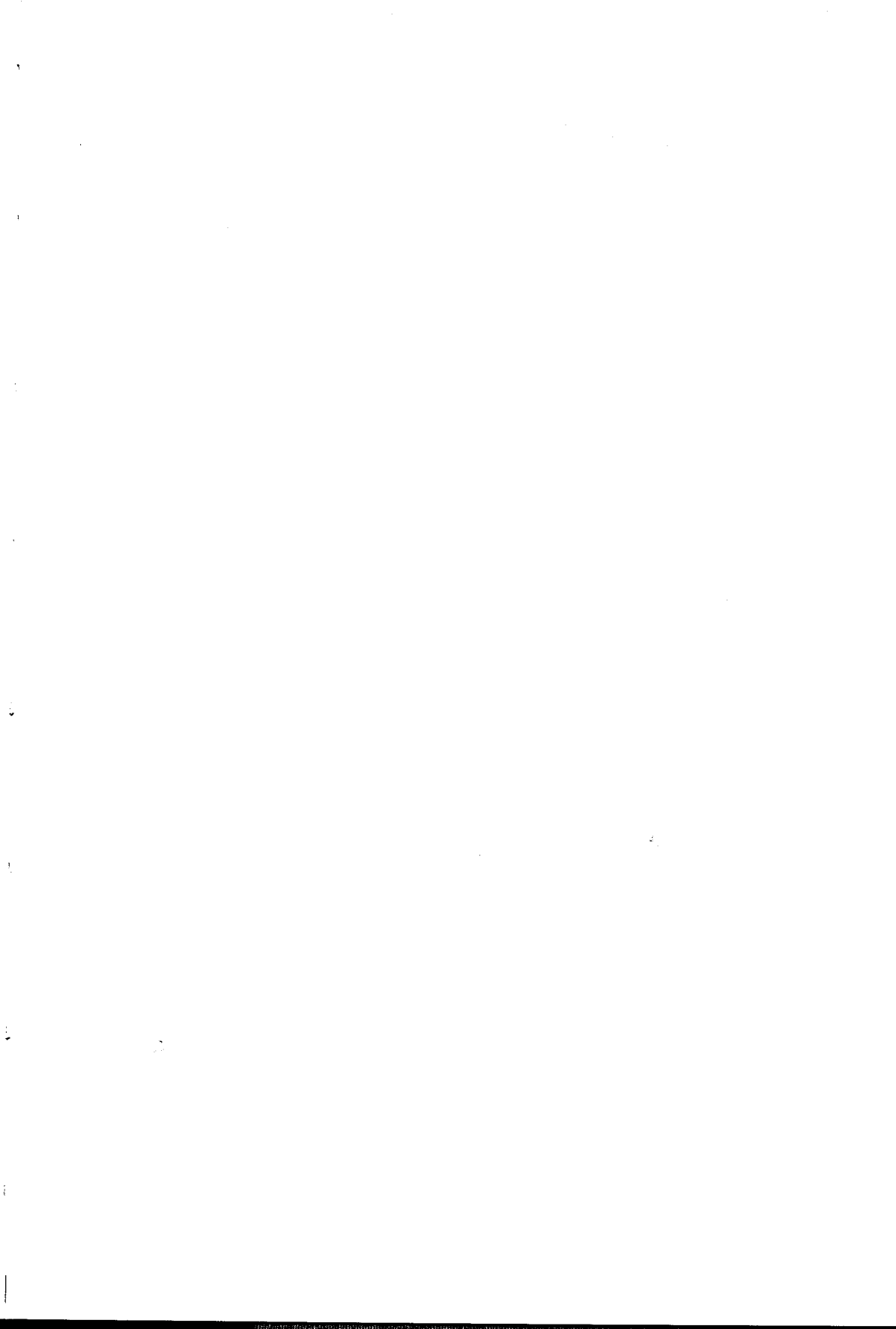
Pajooheshlib@gmail.com نشانی پست الکترونیکی:

به نام صورت آرای معانی

در اواخر پادشاهی مظفرالدین شاه و مقارن با حوادثی که منجر به انقلاب مشروطه شد، حوادث گوناگونی در گوشه و کنار کشور به وقوع پیوست که متعاقب آن، بخش‌هایی از ولایات ایران، دچار آشوب و ناامنی گردید، یاغیان و آشوبگران در جاهای مختلف کشور سر برآورده و عرصه زندگی را بر مردم، خاصه طبقات تنگدست و فقیر، تنگ کردند، از جمله در مناطق مرکزی ایران، چند آشوبگر قدرتمند، سال‌های طولانی از هرج و مرج به وجود آمده استفاده کرده و برخی شهرها و روستاها را به تصرف درآورده و به غارت اموال مردم و دستبرد به کاروانها و مسافران بین راه‌ها پرداختند.

در شمار این یاغیان، باید از نایب حسین کاشانی و فرزندش ماشاءالله خان نام برد، آن دو همراه با کسان و افراد متعدد خود، بیش از ده سال، مناطق مرکزی ایران از قم تا یزد و خوریابانک و سمنان را در معرض تهاجمات گسترده قرار دادند. کتاب حاضر، متضمن تحقیق در این موضوع است به انضمام اسناد و مدارکی از آنان که در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است. مؤلف در این کتاب، اطلاعات مفیدی در باب اعمال این دسته و خرابکاری‌های آنان به دست داده است.

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد
مجلس شورای اسلامی



فهرست مندرجات

مقدمه	۱۷ - ۱۱
فصل اول	۴۱ - ۱۹
بخش اول: بررسی و سنجش منابع	۳۲ - ۲۱
بخش دوم: پیشینه نایب حسین و دودمان او	۴۱ - ۳۳
فصل دوم: یاغیان کاشان در دوران قدرت	۹۲ - ۴۳
۱- کشتار مخالفان	۴۹ - ۴۷
۲- ماجرای قتل آقا علی نراقی	۵۱ - ۴۹
۳- کشتن نایب حسین نراقی	۵۲ - ۵۱
۴- مقابله و درگیری بختیاری‌ها با نایب حسین	۶۷ - ۵۲
۵- اردوکشی سردار سپه به کاشان	۶۷
۶- ادامه درگیری بختیاری‌ها با نایب حسین	۷۰ - ۶۸
۷- گزیده منظومه شجره حیات	۷۲ - ۷۰
۸- عین الدوله و یاغیان کاشان	۷۴ - ۷۲
۹- قراسورانی راه‌های کویری و مرکزی ایران	۷۷ - ۷۵
۱۰- رابطه نایب حسین با کارگزاران دولت روسیه در ایران	۷۹ - ۷۷
۱۱- انگلیسی‌ها و یاغیان کاشان	۸۰ - ۷۹

- ۱۲- همکاری آلمان‌ها و ماشاءالله خان از میانه جنگ جهانی اول ۸۰-۸۲
- ۱۳- پیوستن به کمیته ملی مهاجرت، سفر به ساوه و کرمانشاه ۸۲-۸۵
- ۱۴- نایب حسین و سایر گردن‌کشان و یاغیان ۸۶-۸۹
- ۱۵- قلعه کهرشاهی، پناهگاه امن یاغیان کاشان ۸۹-۹۲

فصل سوم ۹۳-۱۶۴

بخش اول: یورش‌های نایب حسین به خوریابانک ۹۵-۱۲۹

- ۱- ورود نایب حسین و ماشاءالله خان به بیابانک ۹۸-۱۰۲
- ۲- دومین تهاجم به بیابانک ۱۰۲-۱۰۸
- ۳- پیوستن محمدعلی گنابادی به نایب حسین در جندق ۱۰۸-۱۰۹
- ۴- ماجرای غفورآباد و خاندان توکل ۱۰۹-۱۱۱
- ۵- سومین تهاجم نایب حسین به بیابانک ۱۱۱-۱۱۲
- ۶- محاصره قلعه بیاضه ۱۱۲-۱۱۳
- ۷- کشته شدن میرزا آقاجان امام جمعه مهرجان ۱۱۳-۱۱۵
- ۸- آخرین هجوم یاغیان کاشان به بیابانک ۱۱۵-۱۱۹
- ۹- فتح طبس و آتش زدن کتابخانه بزرگ شهر ۱۱۹-۱۲۱
- ۱۰- تسخیر یزد و برکناری شاهزاده شهاب‌الدوله ۱۲۱-۱۲۳
- ۱۱- روابط نایب حسین و ماشاءالله خان با انتظام‌الملک و سهام‌السلطنه ۱۲۴-۱۲۹

بخش دوم: پایان غائله کاشان ۱۳۱-۱۶۴

- ۱- دستگیری و اعدام ماشاءالله خان ۱۳۱-۱۴۵
- ۲- دستگیری و اعدام نایب حسین ۱۴۶-۱۵۲
- ۳- یاران و همراهان مهمتر نایب حسین ۱۵۳-۱۵۶
- ۴- خصائص نیک و بد و آثار خیر ماشاءالله خان ۱۵۷-۱۵۹
- ۵- نایب‌ان در ادبیات عصر مشروطه ۱۵۹-۱۶۰
- ۶- سرنوشت بازماندگان ۱۶۱-۱۶۴

۲۵۸ - ۱۶۵	فصل چهارم: هشت مقاله در نقد و بررسی منابع
۱۷۹ - ۱۶۷	۱- حوادث عصر مشروطه در مناطق مرکزی ایران
۱۹۵ - ۱۸۱	۲- معمای فتح‌نامه نایبی
۲۰۲ - ۱۹۷	۳- نایب حسین کاشی از دیدگاه مجتهدی روشنفکر
۲۱۳ - ۲۰۳	۴- شیوه‌های نو در تفسیر اسناد تاریخی
۲۱۷ - ۲۱۵	۵- نامهٔ منتخب‌السادات جندقی به ملک‌الشعرای بهار
۲۳۶ - ۲۱۹	۶- گزارش در ستایش نیاکان
۲۴۴ - ۲۳۷	۷- اسناد یورش‌های نایب حسین کاشانی در کتابخانه مجلس
۲۵۸ - ۲۴۵	۸- فرمانروایی مسعود لشکر در جندق و بیابانک
۲۶۸ - ۲۵۹	فصل پنجم: عصر ناامنی، فرمانروایان خوریابانک پس از نایب حسین
۲۶۵ - ۲۶۳	۱- ماجرای سرهنگ تورزنی و هم‌دستان او
۲۶۸ - ۲۶۵	۲- حکومت مسعود لشکر
۵۲۷ - ۲۶۹	فصل ششم: اسناد واقعه نایب حسین و ماشاءالله خان در کتابخانه مجلس
۴۸۷ - ۴۷۵	اسناد چاپ نشده سازمان اسناد ملی ایران
۵۰۹ - ۴۸۹	اسناد گوناگون راجع به نایب حسین و ماشاءالله خان
۵۲۷ - ۵۱۱	اسناد نایب حسین در خوریابانک، از سازمان اسناد ملی ایران
۵۷۴ - ۵۲۹	فصل هفتم: نایب حسین در اسناد خانوادگی
۷۲۶ - ۵۷۵	فصل هشتم: فتح‌نامه نایبی
۷۶۱ - ۷۲۷	فصل نهم: گزیدهٔ فتح‌نامه ساختگی
۷۶۳	فصل دهم: ضمائم
	ضمیمه اول: ماجرای یورش‌های نایب حسین کاشانی و فرزندش ماشاءالله خان به خوریابانک
۹۷۱ - ۷۶۵	خوریابانک
۸۴۷ - ۷۶۹	بخش اول: خاطرات کودکی
۹۰۳ - ۸۴۹	بخش دوم: خاطرات کودکی

۹۵۲-۹۰۵	بخش سوم: مصاحبه فرمان و دیگران
۹۷۱-۹۵۳	بخش چهارم: نوشته طغرا و قصیده عبرت نائینی
۱۰۲۲-۹۷۳	ضمیمه دوم: اختناق کاشان
۱۰۴۹-۱۰۲۳	ضمیمه سوم: فهرست اموال منقول و غیر منقول ماشاءالله خان کاشانی
۱۱۳۲-۱۰۵۱	فصل یازدهم: اسناد و تصاویر
۱۲۰۷-۱۱۳۳	منابع
۱۲۰۷-۱۱۴۵	فهرست ها
۱۱۸۴-۱۱۴۷	اعلام
۱۲۰۲-۱۱۸۵	جاها
۱۲۰۷-۱۲۰۳	کتابها و نشریات

مقلمه

هزار و سیصد و هشت و دوده بود که شد «خور» آشیان آتش و دود
حسین کاشی آمد با پسرهایش که در تاریخ می خوانی خبرهایش
چه بی امنیت و بیچاره گشتیم به نائین از وطن آواره گشتیم

حبیب یغمائی

منظومه سلام آباد

دوران کودکی و نوجوانی را در زادگاهم - خوربیا بانک - با شنیدن روایات تاریخی
قصه مانند یورش های مداوم نایب حسین کاشانی و ماشاءالله خان و فرزندان و
لشکریان آنان سپری کرده ام. در آن سال های یعنی حدود چهل و چند سال پیش، هنوز
برخی پیرمردان و پیرزنان شاهد آن ماجراها در قید حیات بوده و از دیده ها و
شنیده های دهشت انگیز خود سخنان باور نکردنی بسیار به یاد می آوردند. آنان از
آدم کشی ها، غارتگری ها، ضرب و شتم های بی حد مردم و تصاحب زنان و دختران،
داستان های عجیب و حیرت آور بیان می کردند که شنونده نمی توانست به آسانی
آنها را قبول کند. اینان نقل می کردند که نایب حسین همواره در یک جیب خود چاقو
و در جیب دیگرش سنگ چاقو تیزکنی آماده داشت و چون کسی را نزد او
می آوردند که به زعم آنان مرتکب گناهی شده بود، وی بی درنگ چاقوی خود را تیز
و لاله گوش یا عقب پایش را می برید. او هرگز کسی از گنه کاران را از عقوبت کردن و

بریدن گوش و پا معاف نمی داشت. ساکنان فلک زده و بیچاره بیابانک هرگاه خبر نزدیک شدن نایب حسین و اتباع او را که معمولاً در حدود ۷۵۰ نفر بودند می شنیدند، نخست اموال و اشیاء بالنسبه ارزنده تر خود را در شکاف دیوارها، چاه ها یا در محفظه بین سقف خانه و پشت بام مخفی کرده و سپس حتی المقدور از محل پا به فرار می گذاشتند. هنوز هم در وقت تخریب یا تعمیر خانه های قدیمی اشیائی از این قبیل به دست می آید.

نایب حسین جمعاً سه بار و به روایت دیگر چهار بار به خوریابانک یورش آورد. نخستین هجوم در سال ۱۳۲۷ق/ رخ داد و آخرین آنها در سال ۱۳۳۰ق. به این ترتیب در مدتی حدود چهار سال مردم این محل از بیم هجوم های ناگهانی آنان، آماده فرار بوده، گروهی که در زمره، متمکنان محل به شمار می آمد و نسبت به مردم عادی تمولی داشتند به شهرهای بزرگ حاشیه کویر چون سمنان، دامغان، شاهرود، یزد، سبزوار، طبس و نائین پناه برده، تا زمان حضور یاغیان در آن جاها آواره و سرگردان روزگار به سر می بردند. گروهی دیگر که بی بهره از مواهب مادی بوده اما توانایی جسمی خوبی داشتند راه بیابان ها، کوهسارها، مغاره ها و روستاهای دوردست را در پیش گرفته مدتی در آنجا به سر می بردند تا خبر بازگشت کاشی ها را شنیده به وطن بازمی گشتند. سومین گروه در مانده تر از همه، نه امکان گریز به شهرها و نه پای فرار به کوهستان ها را داشته در وطن باقی مانده و در معرض انواع ستم ها و سرقت ها و زورگویی های نایبی ها قرار می گرفتند.

نایب حسین نخست بار هنگام فرار از دست نیروهای دولتی که به تعقیب او تا کاشان آمده بودند در سال ۱۳۲۷ق خود را به خوریابانک رساند. او از عهده مقابله با افراد ایل بختیاری که به دستور دولت مشروطه خواه به جنگ او آمده بودند بر نیامد نخست به اردستان رفت و چون بختیاری ها به سرعت خود را به آن شهر رساندند او از آنجا خود را به زواره و سپس به شهراب رساند و فاصله شهراب تا انارک - شهرکی که در مدخل مسیر بیابانک قرار دارد - را خیلی سریع طی کرد. در

انارک به سرمی برد که انتظام‌الملک عرب عامری فرزند مصطفی قلی خان سهام‌السلطنه که آن وقت نایب‌الحکومه خورویبابانک بود و سابقاً از هم‌پیمانان نایب‌حسین و از وی سخت هراسان بود از خور به انارک آمد و از گروه یاغیان کاشی رسماً دَعوت کرد برای مدتی به بیابانک آمده در آنجا مدتی اطراق کنند و هرگاه بختیاری‌ها کاشان را ترک گویند آنان نیز به محل خود بازگردند. خورویبابانک از این حیث بهترین گریزگاه نیروهای یاغی کاشان بود زیرا فاصله طولانی آن تا مرکز امکان لشکرکشی به آن حدود برای نیروهای دولتی را بسیار دشوار می‌کرد.

یکی از افرادی که در یورش اول نایب‌حسین به بیابانک از آنجا فرار کرده خود را بازن و فرزندان به نائین رساند. اسدالله منتخب‌السادات پدر حبیب‌یغمایی بود، او همانطور که در ابیات بالا ذکر آن رفته در مدت اقامت در نائین دو تن از فرزندان خردسال خود عبدالحسین ادیب آل داود و حبیب‌یغمائی را به مکتب‌خانه فرستاد. اما در یورش دوم منتخب‌السادات غافلگیر شده و به چنگ نایب‌حسین افتاد و چون شاعر و نویسنده و خوش ذوق بود به زودی توجه ماشاءالله خان فرزند بزرگ نایب‌حسین را که نسبت به سایر سرکرده‌ها از کمال و دانش برخوردار بود جلب کرده. او را به همنشینی و مجالست با خود برگزید. اما اتباع نایب‌حسین اموال او را غارت کرده چیزی برایش باقی نگذاشتند خود او هم به اسارت محترمانه آنان در آمده بود.

سرانجام به پیشنهاد ماشاءالله خان قرار شد در عوض آزادی و استرداد خانه و اموال، او مثنوی بلندی به سبک شاهنامه فردوسی در باب کارها و فتوحات و شهرگشایی‌های نایبی‌ها در مدتی کوتاه بسراید و به عبارتی دیگر روزی ۴۰۰ بیت تحویل دهد. سرودن این تعداد ابیات در یک روز البته محال به نظر می‌رسد اما مسلم است که شاعر در مدتی کوتاه منظومه فوق را به اتمام رساند، و با عجله کتابت کرده است. از منظومه منتخب‌السادات که خود نام «فتح‌نامه» بر آن نهاده همان دست‌نویس نخستین که به خط شاعر است بر جای مانده، یعنی نسخه‌ای که به

ماشاءالله خان تحویل داده است.

این نسخه را ماشاءالله خان با خود به کاشان برد و در آنجا به فکر چاپش افتاد، پس آن را به ادیب بیضائی شاعر نامی کاشان سپرد تا تصحیحاتی در آن روا دارد و ادیب برخی ابیات را ویرایش و متناسب با اوضاع روز کرد. ماشاءالله خان چاپ آن را آغاز و ۸ صفحه نخست آن را در سال ۱۳۳۱ق به چاپ رساند اما با آنکه از آن تاریخ تا ۶ سال دیگر زنده ماند نسبت به تکمیل طبع آن اقدامی نکرد. به گفته دکتر آریانپور، سراسر این مثنوی چاپ شد ولی همه نسخه‌های آن را به دستور وثوق‌الدوله از میان بردند، روایتی که در صحت آن باید تردید کرد.

اما پس از آنکه شاعر کار سرودن منظومه فتح‌نامه را به انجام رسانده و نسخه را به ماشاءالله خان تقدیم کرد، او از استرداد اموال شاعر خودداری کرد زیرا آنها را افراد زیر دستش بین خود تقسیم کرده و معلوم نبود هر قطعه آن دست چه کسی است.

داستان اجحافات و ستم‌گری‌ها و آدم‌کشی‌های نایب حسین و ماشاءالله‌خان در خوریبابانک قصه‌ای طولانی و پرآب چشم است. ما در این کتاب اصیل‌ترین و درست‌ترین روایت‌ها را آورده‌ایم، همانگونه که حسن نراقی ماجرای اعمال ۲۰ ساله آنان در کاشان را به خوبی روایت کرده و شرح دقیق ماجراها را در کتاب خود موسوم به «کاشان در جنبش مشروطه ایران» به دست داده است. هر چند بعد از نشر این اثر کسانی از فرزندان‌دگان ماشاءالله‌خان، به نویسنده طعنه‌ها و ریشخندها وارد ساخته‌اند.

اثر حاضر حاوی یازده فصل به انضمام بخش منابع و فهرست‌هاست. درین جا مندرجات هر فصل را به اختصار معرفی می‌کند:

فصل اول: شامل دو بخش است: در بخش اول منابع و مآخذ موضوع معرفی، بررسی و ارزیابی شده و به مهمترین مآخذ مختصراً اشاره شده است. بخش دوم گزارشی است در باب پیشینه نایب حسین و نیاکان او.

فصل دوم: گزارش کارها و یورش‌ها و اعمال ددمنشانه نایب حسین و ماشاءالله

خان در کاشان و روستاها و شهرهای نزدیک به آن چون اردستان، قمصر و نطنز و بسیاری از آبادی‌های منطقه وسیع مرکزی ایران است.

فصل سوم: حاوی دو بخش است: بخش نخست گزارش‌های نایب حسین و فرزندان و اتباع و افراد همراه او به ناحیه بیابانک و روستاهای آن منطقه و شرح فجایع اعمال آنان در آنجا در بین سال‌های ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۰ ق است. در بخش دوم این فصل حوادث سال‌های پایان قدرت نایب حسین و ماشاءالله خان گزارش شده، در این سال‌ها نایب حسین به تدریج زمام کارها را به دست ماشاءالله خان سپرده و خود در حاشیه به سر می‌برد. این بخش با شرح دستگیری و اعدام آن دو و چند تن از سرکرده‌هایشان پایان می‌پذیرد.

فصل چهارم: مشتمل بر هشت مقاله در معرفی و نقد کتاب‌هایی که در دهه‌های اخیر در باب نایبی‌ها نوشته شده، این نقدها را نگارنده به مناسبت چاپ و انتشار این کتاب‌ها نگاشته و در مجلات معتبر به چاپ رسانده و درین جا به صورت یکجا تجدید طبع می‌گردد.

فصل پنجم: تاریخچه مختصر وقایع خورویابانک در عصر ناامنی است یعنی دوره هرج و مرج پس از خروج یاغیان کاشان تا کودتای سال ۲۹۹ ش.

فصل ششم: اسناد واقعه نایب حسین و ماشاءالله خان موجود در کتابخانه مجلس به انضمام برخی نامه‌ها و اسناد منتشر نشده سازمان اسناد ملی ایران و چند مرکز دیگر که ذیل هر قسمت، منابع آن ذکر شده است. جمعاً این فصل حاوی ۳۶۵ نامه و سند است.

فصل هفتم: اسناد خانوادگی. حاوی اسناد مجموعه شخصی نگارنده. و آنها نامه‌ها و اسنادی است که از بین اوراق بازمانده از پدر بزرگم اسدالله منتخب‌السادات و پدرم مرحوم عبدالحسین ادیب آل داود استخراج کرده‌ام و کلاً مشتمل بر ۵۵ سند و نامه است.

فصل هشتم: متن اصلی فتح‌نامه نایبی سروده منتخب‌السادات که براساس نسخه

خطی منحصر به فرد آن تصحیح شده و مقدمه‌ای بر آن افزوده شده است. این نسخه در اختیار ادیب بیضائی بود و بعدها فرزندش آن را به مرحوم حبیب یغمائی فرزند شاعر اهدا کرد و من زیراکسی از آن را برای خود فراهم آوردم، مرحوم یغمائی سپس اصل نسخه را به دکتر امیرعباس آریان‌پور فرزند کوچک ماشاءالله خان واگذار کرد.

فصل نهم: گزیدهٔ فتح‌نامه ساختگی، بخش کوتاهی است از منظومه فتح‌نامه که دو دهه پیش به نام منتخب‌السادات به چاپ رسانده‌اند. اما اکثر ابیات آن را کاشانی از شاعران معاصر سروده و در آن وارد ساخته و چاپ کرده‌اند. چاپی سراسر مخدوش و ساختگی است.

فصل دهم: ضمائم کتاب و مشتمل بر سه ضمیمه است: اول: ماجرای یورش‌های نایب حسین کاشانی به خوریابانک است در ۴ قسمت که سابقاً در نشریه میراث بهارستان به چاپ رسیده است. دو قسمت اول نوشته شادروان علی‌اکبر افسر یغمائی، قسمت سوم متن پیاده شدهٔ یک مصاحبه از روی نوار و قسمت چهارم شامل دو قسمت مختلف است. ضمیمهٔ دوم: اختناق کاشان درباره انتخابات دوره ششم مجلس شورای ملی در کاشان است. ضمیمهٔ سوم: فهرست اموال منقول و غیرمنقول ماشاءالله خان براساس رساله موجود در سازمان اسناد ملی ایران است. این رساله در ضمن مجموعهٔ اسناد این سازمان که به اهتمام دکتر نوایی و بقائی شیرجینی به چاپ رسیده درج نشده است.

فصل یازدهم: اسناد و تصاویر. درین فصل عکس‌ها و تصاویر متعددی از نایب حسین و ماشاءالله خان و سرکرده‌ها و اتباع آنان از منابع مختلف استخراج و در این فصل جای داده شده است. بیشتر عکس‌ها را از کتاب: «نایب‌ان کاشان براساس اسناد» و «طغیان نایب‌ان» برگرفته‌ام است. بخش دیگر: تصاویر گزیده اسناد و نامه‌هاست و در ذیل هر سند وصف آن آمده است. قسمت آخر کتاب به معرفی منابع و چند فهرست گوناگون اختصاص یافته است.

سالیان متمادی است که نگارنده به طور گهگاه و نه مداوم به تدوین و تکمیل و

نگارش این اثر سرگرم بوده‌ام. زیرا منابع آن متعدد و پراکنده است و انگهی ضرورت داشته تا اقوال شاهدان واقعه را نیز گردآوری کرده و با سنجش آنها با همدیگر و نیز مآخذ مکتوب صورت صحیح قضایا را کشف و ضبط نمایم. کاری که بهر حال دشوار و بسیار وقت‌گیر بوده است، هنوز هم اسناد فراوانی است که باید پژوهشی پیرامون آنها صورت بگیرد. امید است در فرصت‌های آتی این توفیق به دست آمده و در چاپ‌های بعد در تکمیل آن بکوشم.

تهران - ۲۷ اسفند ۱۳۹۳

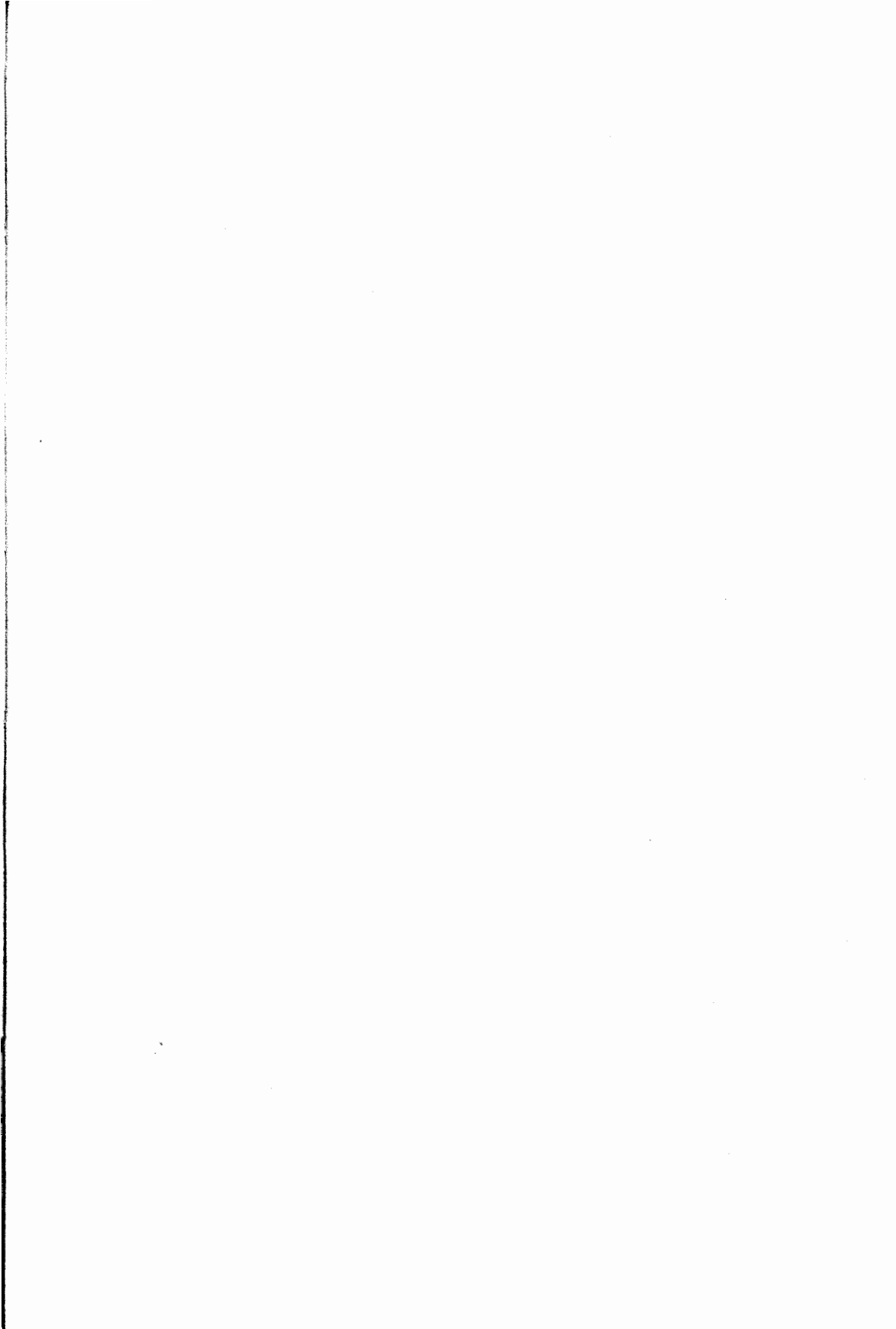
سیدعلی آل‌داود



فصل اول

بخش اول

بررسی و سنجش منابع



فصل اوّل

بخش اوّل

بررسی و سنجش منابع

اصلی ترین مأخذ واقعه تهاجم ده ساله نایب حسین و فرزندانش به شهرها، روستاها و مناطق مرکزی و کویری ایران، نامه‌ها و اسناد موجود در سازمان اسناد ملی ایران، کتابخانه مجلس، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، چند مرکز و مؤسسه دولتی دیگر و اسناد موجود در بایگانی وزارت خارجه انگلستان، روسیه و چند کشور اروپایی است. همچنین گزارش‌ها، مقاله و شکوائیه‌هایی که در روزنامه‌ها و نشریات دوران مشروطه به چاپ رسیده همه در زمره منابعی به شمار می‌روند که برای بررسی و نگارش اثری در این زمینه‌ها، بازبینی و رسیدگی به آنها ضروری به نظر می‌رسند.

بیش از همه، نامه‌های جان سوزانه و ترحم‌انگیز ساکنان کاشان و روستاهای پیرامون آن خطاب به مقامات دولتی حائز اهمیت است، زیرا اهالی این شهر در زمان‌های طولانی تری در معرض یورش‌های این گروه نابکار قرار داشته‌اند. از اسناد یاد شده، بخش عمده آنچه که در سازمان اسناد ملی ایران موجود است به اهتمام شادروان دکتر عبدالحسین نوائی و آقای محمد بقائی شیرجینی بازخوانی شده و انتشار یافته است. اما از اسناد موجود در مراکز دیگر تنها گزیده و گلچینی به طبع

رسیده، از جمله چندین سند مهم مربوط به این وقایع در مجله وحید و راهنمای کتاب انتشار یافته است.

در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران مجموعه‌ای به شماره ۵۲۷۸ وجود دارد که مشتمل بر ۳۴۱ برگ و ۶۸۲ صفحه است، تمامی اسناد این مجموعه در خصوص حوادث کاشان در سال‌های ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵ ق یعنی اواخر پادشاهی مظفرالدین شاه و اوائل دوران محمدعلی شاه و مشتمل بر گزارش‌های تلگرافی از خط تلگراف کاشان به تهران است. برخی از اسناد مندرج در این مجموعه به وقایع نایب حسین و ماشاءالله خان اختصاص یافته و اهم آنها را استاد ایرج افشار در مجله راهنمای کتاب و کتاب سواد و بیاض به چاپ رسانده است.^۱ این مجموعه را کتابخانه از علی دانش بزرگ‌نیا خریداری کرده و فهرست کامل آن را دکتر سوسن اصیلی فراهم آورده که در جلد مربوط به فهرست جنگ‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه به چاپ خواهد رساند.

مطالب و مندرجات روزنامه‌ها و نشریات این عصر هم از آن‌رو که منعکس کننده اوضاع روز کشور و به ویژه مناطق تحت هجوم نایبی‌هاست از اهمیت خاص برخوردار است. در وهله بعد مهمترین منابع، آثار تاریخ‌نگاران و خاطره‌نویسان و یادداشت‌های روزانه برخی از اصحاب سیاست است که مطالب فراوانی در این خصوص به دست داده‌اند چنانکه، از مندرجات تاریخ مشروطه ایران و تاریخ هیجده ساله آذربایجان هر دو تألیف احمد کسروی و آثار دیگر چون زندگانی من تألیف حسن اعظام قدسی می‌توان نکات روشن کننده‌ای در باب این یورش‌ها به دست آورد. از سوی دیگر پاره‌ای نزدیکان و خویشان و فرزندزادگان نایب حسین و ماشاءالله خان به ویژه در سال‌های پس از انقلاب، کتاب‌ها و مقالات متعددی نوشته و به دفاع از عملکرد نیاکان خود روی آورده و نام غائله کاشان را شورش‌های مردمی در دفاع از مردم تحت ستم گذارده‌اند. به اعتقاد اینان، حتی بازماندگان این

۱. سواد و بیاض، صص ۲۲۰ - ۲۲۷؛ راهنمای کتاب، ج ۴۱۹/۱۵ و ۷۵۲-۷۵۳.

خانواده از زمان دستگیری و اعدام سران آنها تا به امروز که نزدیک به صد سال از آن واقعه می‌گذرد همواره از آنرو که منتسب به این خاندان بوده‌اند متحمل انواع مضایق و شکنجه‌ها شده که حکومت‌های وقت برایشان تدارک دیده‌اند، اما با نگاهی به اوضاع و احوال این کسان عکس این ادعا ثابت می‌شود، آنان همواره به کار و زندگی و تحصیل سرگرم بوده و در عصر پهلوی موقعیت‌های شایسته‌ای به دست آورده‌اند، طبعاً هیچ حکومتی ولو سفاک‌ترین و بی‌رحم‌ترین آنها کسان را به جرم ارتكابی اجداد به مؤاخذه و گرفتاری نمی‌کشاند.

نخستین بار مهدی خان آریان‌پور فرزند ارشد ماشاءالله خان و از صاحب‌منصبان شرکت ملی نفت و کسی که به گفته فرزندش دکتر امیرحسین آریان‌پور پس از کشته شدن پدر و قلع و قمع سران این گروه سرحلقه و زعیم نایب‌ان کاشان گردید، نگارش سلسله‌مقالاتی را در مجله جهان‌نو به مدیریت حسین حجازی آغاز کرد، سلسله نوشته‌های او در ۱۳ شماره مجله مذکور با عنوان «پهلوان و پهلوان دوستان» به چاپ رسید. نامبرده در این مقالات با شاخ و برگ فراوان به ذکر محامد نیاکان خود پرداخت و چون در سراسر زندگی اینان کار نیکی وجود نداشت، صرفاً به نقل دامنه‌دار واقعه همکاری کوتاه مدت نایبی‌ها با کمیته دفاع ملی و جنگ با روس‌ها در ساوه پرداخت. گویی در زندگی پرتلاطم این گروه که در حدود ۱۵ سال به تاخت و تاز در مناطق مرکزی ایشان می‌پرداختند واقعه دیگری رخ نداده است. مهدی‌خان غیر از مقالات بلند مذکور، تقریراتی برای مؤلف کتاب «ایران در جنگ بزرگ» تألیف احمد علی سپهر مورخ‌الدوله که سمت پسرخالگی با او داشت بیان کرده که مضمون آن تکرار همان مطالب پیشین است. نگارنده آن کتاب نیز به لحاظ خویشاوندی مطالب را به گونه‌ای در کتابش جای داده که از نایب‌حسین و اعمال او حمایت کرده است. مهدی‌خان آریان‌پور برخلاف دیگر بازماندگان ماشاءالله خان تا حدی جانب انصاف را روا داشته، زیرا او صرفاً به بیان واقعه شرکت پدر و جدش در ماجرای کمک به ملیون ایران در جنگ جهانی اول پرداخته و سایر اعمال آنان را متذکر نشده

و دفاعی هم نکرده است. به گفته او نایب حسین و ماشاءالله خان و نیروهای همراه هنگامی که در ۱۴ محرم سال ۱۳۳۴ ق/ از کویر نمک به سوی تهران برای کمک به نیروهای ملی حرکت کردند در راه خبر شدند که هیأت دولت از راه ساوه عازم اصفهان است و احتمال دارد پایتخت به تصرف نیروهای متفقین درآید از این رو در ساوه صف‌آرایی کرده و به ارتش روسیه که از آنجا عازم تهران بود حمله کردند، هر چند در این نبرد در ابتدا پیروزی نصیب آنان شد اما سرانجام مجبور به عقب‌نشینی شده و پس از گذر از شهرهای مختلف سرانجام به کاشان رسیدند و چون روس‌ها پس از مدتی به حوالی کاشان آمدند با آنان مدت‌ها جنگیدند.^۱ این گزارش یعنی نبرد نایب حسین با نیروهای روس در اطراف کاشان فقط در این منبع ذکر شده و در سایر مآخذ از این گفته‌ها و ادعاها مطلبی دیده نمی‌شود.

چهره ماشاءالله خان در خاطرات فرزندش به گونه‌ای واقعی ترسیم شده، او را شخصی عامی و بی‌سواد اما هوشمند معرفی کرده، اما در خاطراتی که بعدها فرزندان دیگر او در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ در مجله وحید انتشار دادند، نوع تلقی ماشاءالله خان و شیوه نگارش او و نگاه وی به زندگی و قضایا به کلی متفاوت است، او روشنفکری است که به دفاع از حقوق توده ستمدیده مردم برخاسته و افکار و اندیشه‌های انسانی و انقلابی دارد. همچنین در آثاری که از سال ۱۳۶۹ش از سوی افراد خاندان نایب حسین انتشار یافته موضوع و سبک نوشته‌ها و شخصیت سردسته‌های مهاجمان به شیوه جدید و متفاوتی عرضه شده، تهاجم و یورش یاغیان به نواحی ایران همچون حرکتی انقلابی خوانده شده که هدف آن نجات توده‌ها از شر ستمگران و بیداد حکومت‌گران مرکزی است.

یکی از کسانی که در سال‌های اخیر او را به جانبداری از نایب حسین و دودمانش معرفی کرده و در زمره دوستداران آنان خوانده‌اند، عبدالحسین خان ملک المورخین کاشانی ملقب به لسان‌السلطنه است. به شخصیت و احوال او به اختصار

۱. سپهر، ایران در جنگ بزرگ، صص ۳۰۰-۳۰۲.

اشاره می‌شود: میرزا عبدالحسین فرزند میرزا هدایت الله خان ملک المورخین فرزند محمدتقی خان لسان‌الملک سپهر است. پدر و جدش هر دو از نویسندگان اصلی کتاب مشهور ناسخ التواریخ و خود او هم چندی مأمور تکمیل این کتاب شد. نسب عبدالحسین خان از سوی مادر به فتحعلیخان صبا ملک الشعراي عصر فتحعلیشاه می‌رسید او در سال ۱۲۴۸ش متولد و روز ۳۱ تیر سال ۱۳۱۲ش در ۶۴ سالگی در تهران درگذشت. کار اداری وی در خدمت وزارت خارجه گذشت اما پس از فوت پدرش او هم به ملک‌المورخین ملقب گردید. او افزون بر زبان عربی به السنه اروپائی هم آشنایی داشت و چندی در وزارت خارجه خدمت کرد، اما در سال ۱۲۹۷ش به استخدام وزارت فرهنگ در آمد و مدتی رئیس معارف و اوقاف کاشان شد. از ملک‌المورخین کتاب‌های متعددی همچون تاریخ بختیاری و یادداشت‌ها بر جای مانده، یادداشت‌های او در ۲ مجلد توسط دکتر عبدالحسین نوایی ویرایش شده و انتشار یافته است.

در نوشته‌ها و مقالاتی که هواداران نایبی‌ها و فرزندزادگان آنها نوشته‌اند همه جا از ملک‌المورخین به عنوان جانبدار سرسخت نایب حسین نام برده شده و او را هواخواه و طرفدار ماشاءالله خان شمرده‌اند. اما بررسی آثار بر جای مانده از ملک‌المورخین عکس این ادعاها را ثابت می‌کند. از جمله وی در سفرنامه خود به اصفهان که حاصل سفر او به این شهر در سال ۱۳۳۲ق است در مواردی که نایب حسین و ماشاءالله خان در اوج قدرت بودند از آنان انتقاد کرده است. این سفرنامه که گزارش سفر روزانه او به اصفهان و توصیف کامل این شهر است با جملات زیر آغاز می‌گردد: «در این سال پارس‌نیل سلطنت ایران و شاهنشاهی این سامان به عهده شخص شخیص و نفس نفیس شهریار باذل‌السلطان بن سلطان احمدشاه قاجار است:

شاه است و جوان است از او چشم بدان دور

خوشر چه از این باشد شاهی و جوانی

او سفرش را در ۱۷ ربیع الاول ۱۳۳۲ق/ آغاز کرده و در صفحه ۱۵ نسخه خطی هنگام توصیف شهر کاشان چنین آورده است: «در این چند ساله اخیره کاشان خیلی خراب شده و مردمش فقیر خصوصاً از دست نایب حسین و پسرانش که چیزی از برای مردم باقی نگذاشته‌اند، هر کدام صاحب عمارات عالیه با برج و بارو می‌باشند، اسلحه خوبی دارند، قلعه مخصوص جنگی در حوالی کاشان دارند.^۱ و در جای دیگر چنین آورده است: «ده آباد جزو نطنز است. آبش شیرین است. امنیه‌اش با نایب حسین است. در یک فرسخی که از ده آبادی می‌گذرد یک آسیا در عرض راه می‌باشد و یک دهی هم نزدیک آن است. راه تا خفر بسیار سخت است. کالسکه به زحمت می‌رود. آدم‌های نایب حسین که مستحفظ راه می‌باشند از هر شتر ده‌شاهی می‌گیرند، با اینکه دولت مواجب کافی برای امنیه به نایب حسین می‌دهد باز حتی المقدور از عابرین می‌گیرند.»^۲ و در جای دیگر هنگام گزارش سفر بازگشت از اصفهان به تهران چنین نوشته است: «ماشاءالله خان سردار جنگ کاشانی که رئیس امنیه راه کاشان و یزد است خیلی قدرت و قوت دارد. قریب هزار و پانصد سوار و پیاده مسلح دارد. احدی بدون میل او از کاشان عبور نمی‌تواند بکند. امنیه راه کاشان تا یک فرسخ و نیم پس از طرق به عهده نایب حسین است در آنجا قلعه‌ای وجود دارد که در اختیار اوست.»^۳

نویسنده دیگر کاشانی و از شخصیت‌های برجسته عصر مشروطه شریف کاشانی است او خاطرات مفصل خود را در سه جلد موسوم به «واقعات اتفاقیه» نگاشته و گه‌گاه اشاره‌ای به وقایع مربوط به نایب حسین دارد. از جمله به نوشته او یکی از مجتهدین کاشان موسوم به ملاحیب‌الله مجتهد کاشانی در زمره پشتیبانان نایب حسین و فرزندان او بود. وی از همه مفاسد و قتل‌ها و غارت‌های این گروه مطلع بود و همواره از آنان حمایت می‌کرد، چنانکه بیشتر ساکنان کاشان اعمال و

۱. سفرنامه اصفهان، نسخه خطی ص ۱۵، نسخه چاپی، ص ۳۰.

۲. همانجا، نسخه خطی، ص ۱۷. ۳. همانجا، نسخه چاپی، ص ۳۲.

کارهای وحشیانه نایب حسین را به او منتسب می‌ساختند. گفته می‌شد که ملاحیب‌الله همواره با اردو و سوارهای نایب حسین مراوده دائمی دارد، حتی هنگامی که کاشان در محاصره قوای دولتی بود باز هم ملاحیب‌الله از نایب حسین حمایت و پشتیبانی می‌کرد.^۱

اما نویسنده‌ای که بیش از همه به ماجراهای این گروه پرداخت و با نظرگاه انتقادی آثاری در باب آنان نوشت، شادروان حسن نراقی است، او از دودمان مشهور نراقی و از نبیرگان ملامهدی نراقی مجتهد نامبردار اوائل عصر قاجار بود. همواره کسانی از خاندان وی در کاشان در کسوت روحانیت بوده و پیشوایی مذهبی و اجتماعی دسته‌ای از مردم شهر را بر عهده داشتند. از جمله در اوائل ظهور نایب حسین، برادر بزرگ حسن نراقی موسوم به آقا علی نراقی که روحانی روشن فکر و پیش‌نماز یکی از مساجد کاشان بود همیشه اوقات با شجاعت در مقابل خودسری‌های نایب حسین و فرزندانش ایستادگی می‌کرد و پیوسته گزارش اعمال ناشایست آنان را به مرکز ارسال داشت و تقاضای کمک می‌نمود. عاقبت به دستور ماشاءالله خان یکی از پسران نایب حسین به نام نایب علی، روحانی جوان را به باغ خود دعوت و او را به قتل رساند و جنازه‌اش را در چاه افکند. حسن نراقی که در نوجوانی شاهد این ماجراها بود پیوسته در روزنامه‌های مشهور آن عصر چون رعده ایران مطالبی در باب اعمال این گروه می‌نوشت و سپس در سالیان بعد در چند کتاب خود گزارش کارهای ناروای نایب حسین و ماشاءالله خان را با تفصیل روایت کرد و سرانجام اثری مستقل را به نام «کاشان در جنبش مشروطه ایران» به این موضوع اختصاص داد، اثری که خشم بازماندگان نایبی‌های کاشان را برانگیخت و سبب انتقادهای دامنه دار علیه نویسنده و فرزندش دکتر احسان نراقی گردید.

پس از نشر کتاب کاشان در جنبش مشروطه، معرفی نسبتاً مفصلی در باب آن در مجله راهنمای کتاب به قلم مدیر مجله - ایرج افشار - انتشار یافت. نویسنده البته در

۱. شریف کاشانی، صص ۵۶۶-۵۶۷.

اهمیت کتاب و گزارش دقیق حوادث کاشان و سایر مناطق مجاور آن در عصر مشروطه تردید نداشت اما به اعتقاد او از آن روکه برادر مؤلف بر دست ماشاءالله خان کشته شده بود ضروری دانست که منتقدان و آگاهان به مسائل و مطالب کتاب، آن را با نگاه دقیق بررسی کرده و نظریات خود را مکتوب سازند. به گفته افشار، مؤلف از تعدادی منابع از جمله مقاله خود او در مجله جهان‌نو و یا خاطرات مهدی‌خان آریان‌پور استفاده نکرده و متعرض آنها نشده است. و حتی از خاطراتی که به نام ماشاءالله خان در مجله وحید به چاپ رسیده، بی‌اعتنا گذشته است.^۱ اما نظر نراقی در باب این منابع روشن است. او بی‌آنکه اشاره‌ای به این آثار بنماید، همه را ستایش‌نامه‌های بی‌ارزش اعمال نایب حسین خوانده و به نظر او این نوشته‌ها حتی ارزش بررسی مقدماتی هم نداشته‌اند.

مقاله مفصل ایرج افشار که نراقی آن را فاقد ارزش تحقیقی دانسته نخست در مجله جهان‌نو و سپس در مجموعه مقالات افشار موسوم به سواد و بیاض به چاپ رسیده است. افشار این مقاله را براساس گفته‌ها و روایات شفاهی یحیی خان غفاری تنظیم کرده است. این یحیی خان حتی به تصریح دکتر آریان‌پور در زمره فرماندهان دسته‌های نایب حسین قرار داشته و طبعاً نقل روایات او جنبه حمایت از گروهی داشته که خود متعلق به آن بوده است. به گفته نراقی، یحیی خان و برادرش حسن خان ضرغام نظام برخلاف دیگر خاندان غفاری در زمره نوکران ماشاءالله خان در آمده و مواجب‌بگیر او بوده‌اند.

اندکی بعد یعنی هنگامی که مجله وحید بار دیگر موضوع حوادث نایب حسین را مطرح ساخت و از مطلعان درخواست کرد تا اطلاعات خود را نوشته و برای درج به مجله بسپارند، باقر بقائی که در زمان تسلط ماشاءالله خان بر کاشان به عنوان رئیس اداره تحدید تریاک منصوب و در اوج اقتدار ماشاءالله خان به کاشان رفت خاطرات خود را نوشته و در چند شماره نشریه وحید به چاپ رساند. او در

۱. افشار، راهنمای کتاب، صص ۷۵۱-۷۵۲.

خاطراتش تصریح می‌کند که چاره‌ای جز فرمانبری از دسته یاغیان نداشته و ناگزیر برای انجام خدمات محوله بایستی همکاری آنان را جلب نماید. از این رو به تدریج انسی میان او و ماشاءالله خان پدید آمد به گونه‌ای که در نگارش این خاطرات نیز کمابیش نکاتی در دفاع از آنان بیان کرد. بقائی پس از دستگیری نایب حسین و اعزام او به تهران، به سبب این روابط نزدیک در مظان اتهام بوده و چندی مورد مؤاخذه و بازجویی مأموران اعزامی ژاندارمری قرار گرفت. پس از درج سلسله مقالات بقائی، مجله وحید در سال‌های ۵۶ و ۵۷ مقالات و اسناد متعدد دیگر در باب واقعه نایب حسین در کاشان انتشار داد. این مطالب شامل اسناد، مقالات، یادداشت‌ها و خاطرات کسانی بود که یا در آن حوادث شرکت داشته و یا اطلاعاتی به دست آورده بودند. از جمله م. ندیم در یکی از شماره‌های مجله، چند سند را همراه با یک مقدمه به چاپ رساند. برخی اسناد او البته مربوط به نایب حسین نراقی یکی از زورگویان هم‌روزگار نایب حسین کاشی بود که به اشتباه وارد این مجموعه شده بود.^۱

نشریه وحید پس از درج مطالب گوناگون به نشر خاطرات ماشاءالله خان پرداخت که کسی از خاندان آریان‌پور بی‌آنکه خود را معرفی نموده یا حتی نام کوچک خود را ذکر کند آن را به دفتر مجله سپرده بود. نشر این سلسله مقالات چندین ماه به طول انجامید و عکس‌العمل فراوان تاریخ‌دانان و مطلعان محلی را برانگیخت چنانکه اکثراً آنها را ساختگی و فاقد ارزش به شمار آوردند. از جمله حسن نراقی صریحاً ابراز کرد، که این سلسله خاطرات جعلی است و ماشاءالله خان در حدی نبوده که بتواند این مطالب را نگاشته و حتی از نزدیکان او هم کسی توانایی نگارش خاطراتی به این سبک را نداشته است.^۲

جز اینها کسان دیگر به درج خاطرات و شنیده‌های خود در مجله وحید پرداخته

۱. ندیم، مجله وحید، ش ۲۳۷، صص ۶۹ - ۷۱.

۲. نراقی، کاشان در جنبش مشروطه، صص ۳۰-۳۱.

و پرتوی بر تاریکی های این واقعه تاریخی افکندند از جمله ذکائی بیضائی، حبیب یغمائی، ع. ندیم و سید علاءالدین آل داود، نامبرده اخیر شرحی پیرامون ورود نایب حسین به خوربیبانک و گردن‌کشی‌ها و مردم‌آزاری‌ها و آدم‌کشی‌های او نوشته و در آنجا شرح سرودن فتح‌نامه نایبی توسط منتخب‌السادات نیای خود را گزارش کرده است.^۱

در کتاب‌های مربوط به کاشان که در یکی دو دهه اخیر نوشته شده، شرحی در باب این قضایا ذکر گردیده، هر چند بیشتر مطالب آنها تکراری است و کمتر نکته تازه و ناشنیده‌ای در این آثار دیده می‌شود. از جمله باید به کتاب «سیمای کاشان» نوشته حبیب‌الله سلمانی آرانی اشاره کرد. او به تصریح خودش اکثر اطلاعات مربوط به وقایع نایب حسین را از کتاب‌های تاریخ اجتماعی کاشان و کاشان در جنبش مشروطه هر دو تألیف حسن نراقی و تاریخ اشرار کاشان نگاشته ملاحظه‌الرسول مدنی اخذ کرده و تنها نکته تازه اثر او مطلبی است که راجع به نیاکان نایب حسین از قول سید عبدالعلی فنای توحیدی برادر استاد محیط طباطبایی روایت کرده است. طبق این روایت نایب حسین از نسل هاشم‌بیگ است و هاشم بیگ به دستور نادرشاه از ایل بیرانوند لرستان اخراج و به کاشان تبعید گردید.^۲

پس از انقلاب، نشر نوشته‌های طرفداران و فرزندزادگان نایب حسین، به طور جدی تحت نظر دکتر امیرحسین آریان‌پور آغاز گردید، بی‌آنکه او رسماً مباشر طبع هیچ یک از اثرهای فوق معرفی گردد. اما سبک نگارش و نحوه استدلال‌ها همه حاکی از آن است که آن مرحوم بر تدوین و تنظیم و تکمیل این آثار نظارت کامل داشته و احتمالاً برخی آنها به قلم شخص اوست. نخستین بار فتح‌نامه نایبی با مقدمه عبدالحسین ملک‌المورخین (متوفی ۱۳۱۲ش) انتشار یافت و پس از آن طغیان نایبیان و سپس حماسه طغیان. درین کتاب‌ها مورخان، خاطره‌نویسان، روزنامه‌نگاران و سایر کسانی که در آثار خود به گزارش کارها و خرابی‌های

۱. آل داود، مجله وحید، ش ۲۳۹، ص ۵-۴. ۲. سلمانی آرانی، ص ۷۳.

نایب حسین و ماشاءالله خان پرداخته‌اند همگی به عنوان جاسوس، بیگانه‌پرست، طرفدار اشراف، مستبد و جیره خوار بیگانه معرفی شده‌اند. به قرار یک‌ه در فصول دیگر این کتاب خواهیم داد حتی مورخی چون احمد کسروی نیز از تیغ بی‌امان انتقادات فرزندزادگان ماشاءالله خان برکنار نمانده، به نوشته این کتاب‌ها حتی در عصر پهلوی هم اشراف و سرمایه داران از ترس ظهور مجدد نایب‌ان کاشان در هراس بوده از این رو پیوسته به انتقاد از آنان می‌پرداختند. در مجموع باید گفت که در این کتاب‌ها خبر راست و گزارش درست وقایع تاریخی به ندرت دیده می‌شود. در مقابل مملو از سخنان ساختگی و تفسیرهای نادرست و دروغ است که در قالب سخن راست عرضه شده است.

پس از چاپ و انتشار کتاب «طغیان نایب‌ان» نوشته محمدرضا خسروی مقاله ستایش‌آمیزی در باب بی‌نظیری اثر فوق در مجله «چیستا» به چاپ رسید. مطالب مقاله تکرار عین عبارات کتاب است، نویسندگان نقد از همه کسانی که در طی یک قرن مطالبی در باب حوادث کاشان و پیرامون آن نوشته‌اند انتقاد کرده و آنان را حامی اشراف و دولتیان و زورگویان خوانده و حتی اسناد موجود در مراکز مختلف را به نحوی تخطئه کرده و آنها را ساخته و پرداخته عناصر دولتی می‌دانند. به عقیده او همه این اسناد حتی شکوایه‌های مردمان روستاهای حاشیه کویر فاقد ارزش است و نوشته‌های تاریخ‌نویسان یکسره بر باطل، و همه آنان را کج‌فهم، خیال‌باف و شایعه‌ساز نامیده است. تاریخ‌نگاران و گزارش‌نویسان خارجی نیز یکجا به باد ناسزا کشیده شده و نایب‌حسین و هواداران او جانبدار عدالت اجتماعی و حامی توده‌های زحمت‌کش به شمار آمده‌اند.^۱ از قرائن و سبک نگارش مقاله می‌توان احتمال داد که این نوشته قبل از چاپ و تحویل به مجله از نظر تدوین‌گندگان کتاب گذشته است. مندرجات مقاله نیز تکرار سخنانی است که کسان نایب حسین بارها نوشته و یا در محافل مختلف نقل کرده‌اند. از جمله می‌توان به اصطلاحات و عباراتی در وصف نایب و طرفدارانش چون: میهن‌پرستان پرشور، بیگانه‌ستیزان،